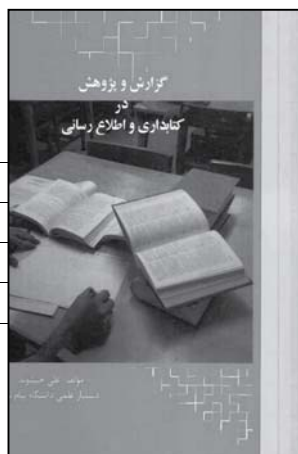


پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی

• غلامرضا حیدری*

دانشجوی دکتری و بورسیه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز



■ خیشوند، علی. گزارش و پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: صادق‌نیا، ۱۳۸۷، ۱۴۷ ص، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۲۵-۹-۵

مقدمه

همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، این اثر درباره گزارش‌نویسی و پژوهش از جمله چگونگی تدوین طرح پژوهش، اجرای پژوهش و گزارش پژوهش است. اگرچه در عنوان کتاب به عبارات کتابداری و اطلاع‌رسانی هم اشاره شده، به‌نظرمی‌رسد این کتاب در سطحی عام‌تر به بحث گزارش و پژوهش پرداخته است. از این‌رو به‌یقین موردتوجه غیرکتابداران هم قرار خواهد گرفت. توجه به کیفیت اطلاعات ارائه‌شده در چنین نوشتارهایی حداقل به دو دلیل اهمیت بیشتری دارد؛ یکی اینکه متخصصان دیگر حوزه‌ها دیدگاه کتابداران را در این موارد موثق‌تر می‌دانند و از آن‌الگو می‌گیرند و دیگر اینکه با خواندن این‌متون، دیگر نوشتارهای حوزه کتابداری و علم

اطلاعات را ارزیابی و داوری خواهند کرد.

بدون شک الفبای زبان علم و کلید ورود به جامعه اطلاعاتی و معرفتی امروز و آینده، یادگیری روش پژوهش و نگارش براساس استانداردهای علمی است. تهیه و تدوین نوشتارها و گزارش‌های علمی و پژوهشی براساس ساختار معین و استاندارد خاصی، شرایط ارتباط با سایر علاقه‌مندان در شبکه علمی را فراهم می‌کند. پس یادگیری زبان و الفبای علم، یعنی «روش پژوهش و آیین نگارش» لازمه و مقدمه هر کار دیگر در حوزه علم و پژوهش است.

پژوهش و نگارش که در عنوان این کتاب هم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، درواقع لازم و ملزوم یکدیگرند. همان‌طور که حرّی (۱۳۷۸) هم به‌درستی اشاره می‌کند،



**بدون شک الفبای زبان علم و کلید
ورود به جامعه اطلاعاتی و معرفتی
امروز و آینده، یادگیری روش پژوهش
و نگارش براساس استانداردهای
علمی است**

یا به رسم معمول، کلمات گزارش، گزارش‌نویسی یا معادل‌های آنان از منابع مرجع معتبر یا دیگر نوشتارها نقل شده و براساس آن درنهایت یک تعریف روان و ساده و در عین حال نسبتاً جامع ارائه می‌گردید. به‌علاوه به مباحث و اطلاعات مقدماتی و مهمی مانند تشریح جایگاه موضوع موردبحث کتاب و مواردی مانند انگیزه‌ها، ضرورت‌ها و ویژگی‌های نگارش علمی، تاریخچه و پیشینه نگارش علمی، اهداف نگارش علمی و جز آن اشاره‌ای نشده است، در حالی که با توجه به موضوع کتاب، اشاره به این مباحث خالی از فایده نبود.

مهم‌ترین موضوع فصل اول تشریح مراحل تهیه گزارش و گزارش‌نویسی است که به‌ترتیب از گزینش موضوع تا تدوین نهایی گزارش در قالب دوازده مرحله ارائه شده و هر یک از این مراحل اصلی، به بخش‌های فرعی دیگری تقسیم شده است.

فصل دوم کتاب به «طرح پژوهش» اختصاص یافته است. مؤلف در مقدمه ذکر کرده است که در این فصل دانشجویان درس «روش تحقیق» با مهم‌ترین مباحث مربوط به نگارش پروپزال در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی آشنا می‌شوند. وی در فصل دوم بر آن بوده تا اجزای یک طرح پژوهشی را معرفی و تشریح کند، از این‌رو در این بخش به تعریف، ویژگی‌ها، عناصر و ساختار طرح پژوهش پرداخته است. انتخاب موضوع و عنوان مناسب برای پژوهش، شناسایی نوع پژوهش، بیان مسئله، تعریف عملیاتی واژه‌ها، پرسش‌های اساسی، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف پژوهش، فرضیه،

در هر پژوهش علمی همواره دو عنصر مشخص وجود دارد؛ فرایند پژوهش و فراورده پژوهش. از سویی توانایی اجرای پژوهش یک توفیق بزرگ به حساب می‌آید، زیرا پژوهش از ضروریات جامعه امروز یا جامعه مبتنی بر اطلاعات و دانش مدار است و هر تصمیم خردمندانه و به‌خصوص جمعی باید مبتنی بر پژوهش باشد. از سوی دیگر بدون نگارش و انتشار، پژوهش ناقص می‌ماند. از این‌رو این دو عنصر دارای ارزشی کم‌وبیش یکسانند. به‌تعبیر دیگر اجرای پژوهش مهم‌تر از مدون و مکتوب کردن آن برای مطالعه و ارزیابی نیست، بلکه درحقیقت نگارش و تدوین یافته‌های پژوهشی رشد گام‌به‌گام دانش را میسر می‌سازد.

ساختار کتاب و جای خالی برخی از موضوعات

بررسی فهرست مندرجات و محتوای متن کتاب نشان می‌دهد که کتاب شامل دو فصل اصلی و دو ضمیمه پایانی است. دو فصل کتاب به همان ترتیب ذکر شده در عنوان کتاب است، یعنی ابتدا فصل گزارش با عنوان «گزارش‌نویسی» و سپس فصل پژوهش با نام «طرح پژوهش» آمده است.

عنوان فصل اول در متن کتاب با آنچه در فهرست مندرجات آمده، متفاوت بوده و در آنجا با عنوان «گزارش و گزارش‌نویسی» معرفی شده است. این فصل با تعریفی ناقص و مختصر از گزارش و گزارش‌نویسی آغاز شده و خیلی سریع به مراحل تهیه گزارش می‌پردازد. جا داشت در این قسمت حداقل مانند دیگر نوشتارهای این حوزه



انتظار مخاطب از یک کتاب درسی یا کمک‌درسی، انسجام، سادگی و استخوان بندی مناسب و قوی آن است که این نوشته فاقد آن است

می‌تواند منبعی کمکی برای دانشجویان دوره کارشناسی در دروس یادشده باشد.

مشکلات محتوایی کتاب

در نگاه اول می‌توان گفت که انتظار مخاطب از یک کتاب درسی یا کمک‌درسی، انسجام، سادگی و استخوان بندی مناسب و قوی آن است که این نوشته فاقد آن است. دیگر اینکه به نظر می‌رسد سهم مؤلف در خلق اثر ناچیز بوده است، به طوری که خود مؤلف در مقدمه اذعان داشته که بخش‌های عمده‌ای از مطالب کتاب از دو کتاب پژوهش و نگارش تألیف یوسفی (۱۳۸۲) و هنر نوشتن و مهارت‌های مقاله‌نویسی اثر طوسی (۱۳۸۲) اقتباس شده است. فصل دوم و پیوست‌های کتاب هم تکرار کتاب قبلی خود مؤلف است.

رسیدن به دسته‌بندی ذکر شده در فهرست مندرجات کتاب در وهله اول برای خود مؤلف که احتمالاً مدرس درس گزارش‌نویسی است، حتماً ارزشمند بوده است. حتی بازنویسی مفاهیم و اطلاعات ذکر شده در دیگر کتاب‌های این حوزه مانند دو کتابی که خود مؤلف در مقدمه به آنها اشاره نموده و اعلام داشته که از این دو منبع اقتباس کرده است یا کتاب‌های استخوان‌دار و مستندی مانند آثار حرّی (۱۳۷۸)، پاول (۱۳۷۹)، کومار (۱۳۸۱) و دیگران، به شرط آگاه‌بودن به چارچوب کار و اختصاص وقت و دقت کافی، موضوع قابل توجیه و ارزشمندی است، که یقیناً تلاش مؤلف در این راستا قابل ستایش است، اما می‌توان گفت که در کل چنین

متغیرها، جامعه آماری، نمونه‌گیری، روش تحقیق، روش و ابزارهای گردآوری اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، پیشینه تحقیق، معرفی منابع اطلاعاتی برای دسترسی به پیشینه و حتی زمان‌بندی و برآورد زمان اتمام پژوهش در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

پیوست نخست، «سیاهه واری طرح پژوهش»، را می‌توان مکملی برای فصل دوم دانست، زیرا تک‌تک عناصر موجود در ساختار پروپوزال را که در فصل دوم معرفی شده‌اند، با طرح پرسش‌هایی ارزیابی کرده و می‌سنجد. پیوست دوم به معرفی کلی ساختار پایان‌نامه اختصاص یافته است. فهرست منابع هم شامل دو بخش است که بخشی از آن در پایان فصل اول و بخش دیگر در پایان کتاب آمده است.

هدف و مخاطبان

موضوع این کتاب، به خودی خود و صرف‌نظر از نوع پرداختن به آن، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که نه تنها برای دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات که برای دانشجویان تمام حوزه‌های علمی اهمیت اساسی دارد، زیرا همان‌طور که قبلاً هم یادآوری شد، اصولاً الفبا، زبان و کلید ورود به دنیای علم و پژوهش، یادگیری شیوه‌های پژوهش و نگارش علمی است.

مؤلف هدف از انتشار کتاب را پاسخ به نیاز دانشجویان در دروس گزارش‌نویسی و روش تحقیق ذکر کرده است. در مقدمه کتاب یادآوری شده که چنین دروسی در مقطع کارشناسی ارائه می‌شود و این کتاب

هدفی میسر نشده و مؤلف در تحقق این هدف موفق نبوده است.

وی در مقدمه ادعا کرده که از همه آثار تألیفی و ترجمه در خصوص گزارش‌نویسی و روش پژوهش استفاده نموده است، در حالی که بررسی فهرست منابع پایانی کتاب نشان‌دهنده این نکته است که از هیچ منبع غیرفارسی استفاده نشده است.

در بررسی و نقد «سیاهه و ارسسی طرح پژوهش» نگارنده تنها به بخش کوچکی از این معیارها یعنی بخش «ارزیابی پیشینه پژوهش» اکتفا می‌شود. این بخش با عنوان «جدول ۱۴، ارزیابی پیشینه تحقیق» در صفحه ۱۴۰ کتاب آمده است که البته در این صفحه از جدول هم خبری نیست. سیاهه و ارسسی پیشینه پژوهش دارای انسجام و جامعیت لازم نیست. مروری بر «سیاهه و ارسسی تدوین و ارزیابی پیشینه پژوهش» که در پیوست نخست کتاب «راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی از پریخ و فتاحی (۱۳۸۴، ص ۵۹-۵۷) و ارائه ۲۹ مورد از معیارها توسط این دو بیانگر این موضوع است.

در کتاب کومار یکی از معیارها و ضوابط ارزیابی پیشینه پژوهش این است که آیا مرور پیشینه‌ها نظم و انسجام لازم را دارد (کومار، ۱۳۸۱، ص ۴۰۳). به نظر می‌رسد اهمیت این معیار کمتر از دیگر معیارهای ذکر شده در این کتاب نباشد. روشن نیست که چرا این معیار در بین معیارهای ذکر شده وجود ندارد.

درباره پیوست دوم و ساختار پایان‌نامه باید یادآوری شود که ساختار نوشته‌ها معمولاً از روش‌های شناخته شده و استانداردهای خاصی پیروی می‌کند. در این کتاب مشخص نشده است که ساختار پیشنهادی مذکور از کدام یک از استانداردهای بین‌المللی و شناخته شده پیروی می‌کند. البته اصول و قواعد کلی در تمام نوشتارها و گزارش‌های پژوهشی وجود دارد. اگر منظور طرح این اصول کلی بوده است، برای مثال باید اشاره می‌شد که محدودیت‌های پژوهش در استانداردهای مختلف در بخش‌های متفاوتی قرار می‌گیرد.

مسائل نگارشی

نارسایی‌های نگارشی زیادی در متن کتاب وجود دارد که امکان ذکر تمام آنها در این نقد وجود ندارد، اما در ادامه به بخش‌هایی از این موارد اشاره می‌شود. این نواقص از همان صفحه تقدیم، یعنی جایی که نوشته شده است: «تقدیم به: دانشجویان کوشا دانشگاه پیام نور پاکدشت...» آغاز می‌شود و تا پایان کتاب ادامه می‌یابد.

در متن کتاب از القاب استفاده شده است، مثل عبارت «دکتر بیانی» (ص ۱۸).

جداول و نمودارها بدون مشخصات ارائه شده‌اند. برای مثال توضیحی برای جدول صفحه ۳۳ یا نمودار صفحه ۳۷ ارائه نشده است. در صفحه ۱۲۹ هم به نموداری اشاره شده که اصولاً وجود ندارد.

رعایت نکردن قواعد جاننویسی یکی از ایرادهایی است که در سراسر متن هویداست و نیازی به ذکر نمونه ندارد.

رعایت نکردن قواعد نگارش و فاصله‌گذاری و عدم استفاده از نیم‌فاصله و علائم نقطه‌گذاری.

با توجه به این نکات متن کتاب روان و مناسب نیست. بهتر بود که قبل از انتشار، کتاب با دقت و ویرایش می‌شد. این مورد به‌ویژه هنگامی که پای یک کتاب درسی در میان است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در به‌کارگیری اصطلاحات و کلمات ناهماهنگی و ابهام وجود دارد. برای مثال در فهرست مندرجات و صفحه ۱۹ یک کلمه به سه صورت مختلف درج شده است: جزء، جز و جزو. علاوه بر اینکه این کلمه در یکی از این جملات به‌درستی به کار گرفته نشده است، طوری که به جای «انتخاب موضوع جز فرایند تحقیق» بهتر بود نوشته می‌شد: «انتخاب موضوع در فرایند تحقیق».

در صفحه ۱۷ هم در تعریف گزارش‌نویسی به اصطلاح «سالم نویسی» اشاره شده، اما هیچ توضیحی درباره معنای آن داده نشده است. در صفحه ۴۸ به جای مسامحه، مسامحه نوشته شده است. در برخی موارد هم از کلمات و اصطلاحات مناسبی استفاده نشده است، از جمله این موارد می‌توان به اصطلاحات پانوشست، میان نوشت، پی‌نوشت و پایان نوشتار (ص ۵۸ - ۶۰) اشاره کرد.

اصول استناد رعایت نشده یا به‌خوبی اجرا نشده است. برای مثال با اینکه کتاب حاضر با کتاب قبلی مؤلف هم‌پوشانی زیادی دارد، یعنی غیر از بخش اول بقیه مطالب تکرار کتاب قبلی است، اصلاً نامی از آن برده نشده و به آن هم استناد نشده است. در شیوه استناد هم ایرادهایی وجود دارد و روش‌های متفاوتی به کار گرفته شده است، در بیشتر موارد با اعداد استناد شده و در اندک مواردی از نام‌ها استفاده شده است. برخی استنادها (برای مثال استناد صفحه ۱۲۴) نیز به صورت پانویس آمده است.

کتاب فاقد نمایه است. در حالی که خود مؤلف به ضرورت وجود نمایه در چنین نوشته‌هایی اذعان داشته است (ص ۷۸). وجود نمایه در تسهیل‌بازایی اطلاعات نقش زیادی دارد، به همین دلیل یکی از معیارهای ارزیابی منابع اطلاعاتی به حساب می‌آید. رعایت این مورد به‌خصوص برای کتابداران و متخصصان علم اطلاعات ضروری است.

موضوع این کتاب، به‌خودی‌خود و صرف‌نظر از نوع پرداختن به آن، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که نه‌تنها برای دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات که برای دانشجویان تمام حوزه‌های علمی اهمیت اساسی دارد

فهرست مندرجات با متن کتاب همخوانی ندارد. برای نمونه عنوان ارائه شده برای پیوست نخست با آنچه در فهرست مندرجات آمده، متفاوت است. در فهرست مندرجات صفحات ۸۱ و ۸۲ نادیده گرفته شده، در حالی که در متن کتاب به ذکر فهرست منابع اختصاص یافته است.

اصول نگارش بند در این کتاب رعایت نشده است. براساس آنچه در کتاب آیین نگارش علمی حرّی (۱۳۷۸) آمده است، تدوین پاراگراف یا بند از اصول خاصی تبعیت می‌کند، یعنی بندها یا استقرایی‌اند یا قیاسی، یا به صورت ترکیبی، قیاسی - استقرایی، یا استقرایی - قیاسی. اما در کتاب این اصول رعایت نشده است. برای مثال به این بند از آغاز فصل دوم (ص ۸۵) دقت کنید:

«طرح پژوهش کوششی است در جهت به دام کشیدن روش‌شناختی یک جواب برای یک پرسش یا فرضیه، و هدف آن سازماندهی نظامدار مشاهده‌ها به منظور بررسی نفوذ یک متغیر یا گروهی از متغیرها بر یک موقعیت معین، و یا متغیر دیگری است. (۳۲:۵۲)»
به عبارت دیگر پروپوزال یا برنامه‌ریزی پژوهش نقشه یا برنامه‌ای است که پژوهشگر به کمک آن تعیین می‌کند که چگونه یک پژوهش را انجام دهد و چون برنامه‌ریزی مربوط به آینده است لذا تمام افعال بکار برده شده در آن نیز به صورت مضارع بکار می‌رود. (۳۳۷-۳۳۸)»

این بند و تعدادی دیگر از بندهای کتاب حاضر در هیچ‌یک از انواع شناخته‌شده بند نمی‌گنجد. علاوه بر آن، این بند ساختار و انسجام لازم را ندارد. اگر در ابتدای بند طرح پژوهشی تعریف می‌شود، باید در ادامه به توضیح و بسط معنای آن پرداخت که البته تلاش اندکی هم برای این کار صورت گرفته، اما اصولاً عبارات روشن و روان نبوده و چیزی که بند را از مدار و اصول خارج نموده عبارتی است که در آخر بند مذکور آمده و افعال را به صورت مضارع به کار برده است.

اصول نگارش، فاصله‌گذاری و نقطه‌گذاری هم در این بند رعایت نشده است. از کلمات عربی (تحقیق) و انگلیسی (متدولوژی) استفاده شده است. در حالی که در مورد کلمات انگلیسی می‌توان از پانویس استفاده کرد. به‌طور کلی باید گفت که این بند به بازنویسی، روان‌نویسی و برطرف کردن مشکلات معنایی نیاز دارد.

مؤلف توضیح نداده است که آیا «سیاهه» واریسی طرح پژوهش» در پیوست نخست را که در کتاب قبلی وی در فصل سوم آمده، خود وی تدوین کرده یا از کتاب یا منبع خاص دیگری گرفته است. البته در کتاب قبلی شماره‌هایی روبه‌روی هریک از سؤالات درج گردیده که به منابع پایانی کتاب

ارجاع داده شده، اما در کتاب حاضر این شماره‌ها حذف شده است.

منابع با متن مطابقت ندارند. برای مثال در صفحه ۵۹ به کتاب شیوه‌نامه ایران استناد شده، اما در فهرست منابع به این منبع اشاره‌ای نشده است. به‌علاوه به تعداد زیادی از منابع در متن کتاب استناد نشده است.

منابع، چنانکه ذکر در دو بخش آمده‌اند که به نظر می‌رسد منابعی که در صفحه ۸۱ - ۸۲ آمده است، منابع فصل اول باشد و منابع بقیه مطالب یا فصل دوم در صفحات ۱۴۵ - ۱۴۷ آمده است، اما بخش اول با عنوان «منابع» آمده و بخش دوم با عنوان «منابع و مأخذ» و حتی تعدادی از مأخذ هم با عنوان «سایر منابع» معرفی شده‌اند.

محاسن کتاب

- یکی از مزایای این کتاب توجه به دو بُعد گزارش و پژوهش و طرح هم‌زمان این دو بحث مرتبط است.

- فهرست مطالب کتاب بیانگر موضوعات خوبی است که برای آموزش به دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و علم اطلاعات مناسب است، اگرچه در متن کتاب ضعیف عمل شده است.

- ذکر سیاهه واریسی برای ارزشیابی طرح‌های پژوهش بسیار کار جالب توجه و سودمندی است، به شرط آنکه پختگی و انسجام لازم و کافی را داشته باشد. در اینجا نوعی نسخه‌برداری از منابع دیگر صورت گرفته و حتی معیارها دسته‌بندی و مرتب نشده‌اند. به عبارتی تصمیم مؤلف برای گردآوری سیاهه واریسی گزارش پژوهش بسیار خوب بوده، اما در تدوین و گردآوری آن به اندازه کافی تأمل نشده است.

- یکی از نکات قابل توجه در این کتاب، معرفی نشریات ادواری حوزه کتابداری و علم اطلاعات در مبحث پیشینه پژوهش (ص ۱۲۴ - ۱۲۵) است که برای دانشجویان مقطع کارشناسی سودمند خواهد بود.

مقایسه کتاب با سایر منابع مشابه

نوشتارهای زیادی درباره گزارش‌نویسی، آیین نگارش علمی، شیوه‌های تدوین طرح پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و گزارش و انتشار پژوهش، در حوزه‌های مختلف علمی منتشر شده است. در کتابداری و علم اطلاعات ایران هم آثاری در این زمینه ترجمه و تدوین شده‌اند، که عبارتند از: دیانی، ۱۳۶۹؛ حرّی، ۱۳۷۸؛ پاول، ۱۳۷۹؛ کومار، ۱۳۸۱؛ خیشوند، ۱۳۸۳؛ پربخ و فتاحی، ۱۳۸۴؛ علیدوستی و ناخدا، ۱۳۸۵؛ و حیاتی و علیجانی، ۱۳۸۶ الف و ب.

کتاب فاقد نمایه است.

در حالی که خود مؤلف به

ضرورت وجود نمایه در چنین

نوشته‌هایی اذعان داشته

است

از ترجمه کتاب‌های کومار و پاول که بگذریم، یکی از نخستین و بهترین کتاب‌هایی که به زبان فارسی و برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی دانشجویان کتابداری و علم اطلاعات تدوین شده، کتاب آیین نگارش علمی حرّی است که ابتدا با عنوان گزارش نویسی منتشر شد. این کتاب تا مدت‌ها در حوزه کتابداری تنها منبع در این زمینه بود.

در سال‌های اخیر کتاب‌های دیگری در این زمینه به زبان فارسی منتشر شده که عبارتند از: کتاب دستنامه تهیه و تدوین طرح پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی از مؤلف کتاب حاضر که در سال ۱۳۸۳ منتشر شد، راهنمای نگارش، مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی اثر پریخ و فتاحی (۱۳۸۴) که به‌طور خاص چگونگی مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش را تشریح کرده است، کتاب راهنمای نگارش گزارش‌های علمی و فنی اثر علیدوستی و ناخدا (۱۳۸۵)، کتاب نگارش مقاله، گزارش و سایر انتشارات علمی: از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری از انتشارات چاپار و کتاب گزارش نویسی: آیین نگارش علمی مقالات، مجلات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها از انتشارات دانشگاه پیام نور هر دو از حیاتی و علیجانی (۱۳۸۶ الف و ب). تعدادی مقاله هم در این زمینه منتشر شده که به دلیل تفاوت در نوع کار، در این مقایسه به آنها پرداخته نشده است.

اگرچه در این کتاب موضوع مهمی مطرح شده، اما کتاب حاضر در میان دیگر کتاب‌های مربوط به پژوهش و نگارش در حوزه کتابداری و علم اطلاعات و دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی دارای جایگاه مناسبی نبوده و به‌رغم قابل‌تقدیربودن تلاش مؤلف آن، باید گفت که بیشتر بیان دوباره - و البته نه‌چندان مناسب - مطالب دیگر کتاب‌ها و نوشتارهایی است که قبلاً در این زمینه به‌نگارش درآمده‌اند.

نتیجه‌گیری

نباید فراموش شود که روش‌های فعلی ارزیابی پژوهشگران و اعضای هیئت علمی و اجبار در تألیف و تدوین بدون سرمایه‌گذاری مناسب و کافی و نیز وجود مشکلات دیگر در این زمینه، قضاوت و اظهارنظر درباره یک کتاب یا یک نویسنده را دشوار می‌سازد. مطمئناً بسیاری از کسانی که آثار خود را با این شرایط منتشر کرده‌اند، خود توان اصلاح و ویرایش و کامل‌نمودن آن را دارند، اما این شرایط باعث می‌شود این آثار قبل از پختگی کامل به بازار نشر عرضه شوند. البته این مسائل نباید موجب شود

که به تألیف آثاری از این دست روی آورد یا در نقد و بررسی آنها مسامحه یا مانعی باشد. نگارنده خود برای تلاش پژوهشگران حوزه کتابداری و علم اطلاعات به‌طور خاص و تمام پژوهشگران به‌طور عام اهمیت بسیاری قائل است و جسارت نوشتن و تألیف را می‌ستاید و بدیهی است که آثار کسانی که مانند نگارنده در ابتدای این راه قراردارند، خالی از ایراد و اشکال نیست، اما کسی که درباره آیین پژوهش و نگارش علمی می‌نویسد، خود باید حداقل دانش پایه را در این زمینه داشته باشد، به‌خصوص هنگامی که دانشجویان و آموزش به این قشر مدنظر هست.

پی‌نوشت:

*ghhaidari@yahoo.com

مآخذ

۱. پاول، رونالد (۱۳۷۹). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران، ترجمه: نجلا حریری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.
۲. پریخ، مهری و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۸۴). راهنمای نگارش، مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، تهران: کتابدار.
۳. حرّی، عباس (۱۳۷۸). آیین نگارش علمی، تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
۴. حیاتی، زهیر؛ علیجانی، رحیم (۱۳۸۶ الف). گزارش نویسی: آیین نگارش علمی مقالات، مجلات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها، تهران: دانشگاه پیام نور.
۵. حیاتی، زهیر؛ علیجانی، رحیم (۱۳۸۶ ب). نگارش مقاله، گزارش و سایر انتشارات علمی: از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری، تهران: چاپار.
۶. خیشوند، آقانور (۱۳۸۳). دستنامه تهیه و تدوین طرح پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: صادق‌نیا.
۷. خیشوند، علی (۱۳۸۷). گزارش و پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: صادق‌نیا.
۸. دیانی، محمدحسین (۱۳۶۹). روش‌های تحقیق در کتابداری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. علیدوستی، سیروس؛ ناخدا، مریم (۱۳۸۵). راهنمای نگارش گزارش‌های علمی و فنی، تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۱۰. کومار، کریشان (۱۳۷۴). روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه: فاطمه رها دوست با همکاری فریبرز خسروی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

روش‌های فعلی ارزیابی پژوهشگران و اعضای هیئت علمی و اجبار در تألیف و تدوین بدون سرمایه‌گذاری مناسب و کافی و نیز وجود مشکلات دیگر در این زمینه، قضاوت و اظهارنظر درباره یک کتاب یا یک نویسنده را دشوار می‌سازد